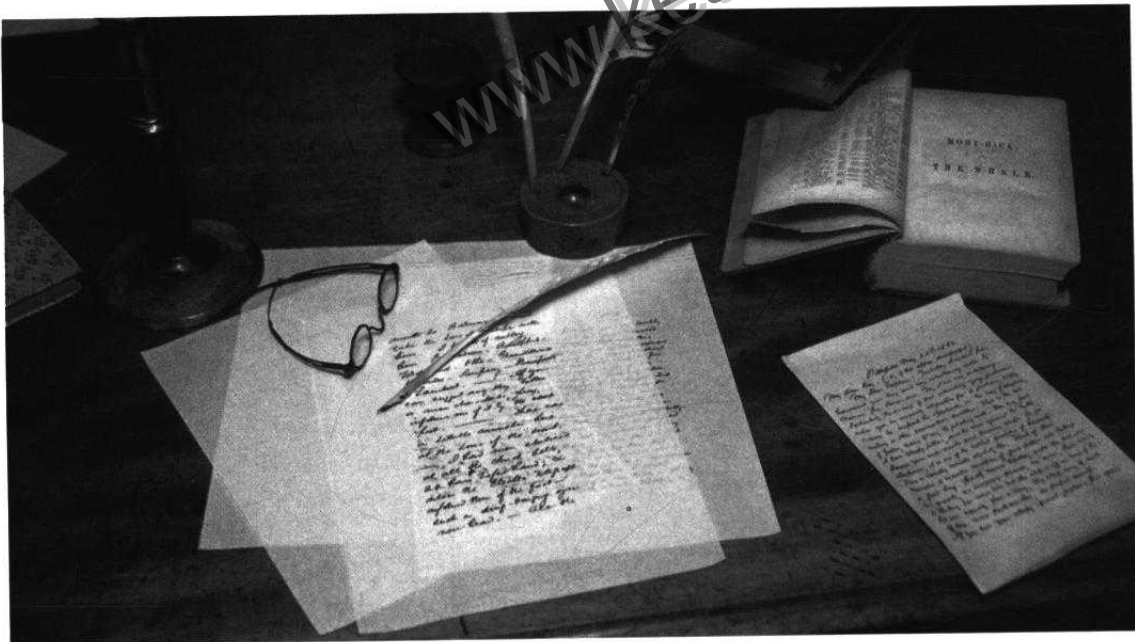




دایرةالمعارف مصوّر

نویسندگان تاریخ ساز





دایره المعارف مصور
نویسندگان تاریخ ساز

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر شمالی، نرسیده به
بلوار کشاورز، خیابان قدر، پلاک چهار، واحد یک
تلفن: ۶۶۴۲۴۰۳۱ - ۶۶۹۰۲۷۶۷
فروش اینترنتی: www.Cyanpub.ir
ارسال: تهران: ۶۶۹۰۲۷۶۷
آدرس مراکز فروش این کتاب در شهرستان‌ها را از این
شماره تلفن بخواهید:
۶۶۴۲۴۰۳۱ ●

© حق چاپ برای انتشارات سایان محفوظ است.
● هرگونه اقتباس و استفاده از تصاویر و محتوای این اثر
منوط به کسب اجازه‌ی کتبی از ناشر است.



دایره المعارف مصور

عنوان و نام پدیدآور: دایره‌المعارف مصور نویسندگان تاریخ ساز
ویراستار ارشد: آنجلا ویلکس؛ مترجمان: احسان رضایی، یاسر مالی
مشخصات نشر: تهران: نشر سایان، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص: مصور (رنگی): ۲۹×۲۲ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۶۹-۸۵-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Writers their lives and works
موضوع: نویسندگان - سرگذشتنامه
شناسه‌ی افزوده: ویلکس، آنجلا، ۱۹۵۲ م، ویراستار
شناسه‌ی افزوده: Wilkes, Angela, ۱۹۵۲
شناسه‌ی افزوده: رضایی، احسان، ۱۳۵۶، مترجم
شناسه‌ی افزوده: مالی، یاسر، ۱۳۵۸، مترجم
رده‌بندی کنگره: PN۴۶۶
رده‌بندی دیویی: ۸۰۹/۰۰۳
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۸۷۳۴۶۱۳



دایره‌المعارف مصور

نویسندگان تاریخ ساز

ویراستار ارشد: آنجلا ویلکس
مترجمان: احسان رضایی، یاسر مالی
ویراستار: ندا خوشنویس
ابوالفضل اله‌دادی، رضا رضایی، نجمه شبیری،
مهسا ملک‌مرزبان، کاوه میرعباسی
مدیر هنری: سلمان رئیس‌عبداللهی
صفحه‌آرایی: شیما ابوالفضلی
ویرایش عکس: شبنم رضوانی
ناشر: سایان
چاپ: صبا
صحافی: رؤف
نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۲
شمارگان: ۱۰۰۰



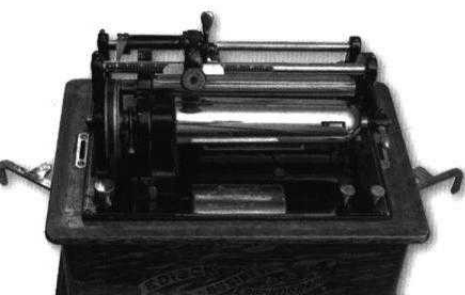
ه‌ی دوم: تصویری خیالی از ویلیام شکسپیر که در کتاب «شایستگان انگلستان قدیم» (حدود ۱۸۸۰) منتشر شد.
آنتون چخوف در حال خواندن نمایشنامه‌ی «مرغ دریایی» برای بازیگران تئاتر مسکو، سال ۱۸۹۹.
●: گوته در حال دیکته کردن به منشی‌اش. نقاشی از ایشملر، نقاش و دوست صمیمی گوته.

فصل ۱ نویسندگان پیش از قرن نوزدهم

فصل ۲ نویسندگان ابتدای قرن نوزدهم

فصل ۳ نویسندگان اواخر قرن نوزدهم

۱۰۴	جورج الیوت	۶۰	گوته	۱۲	دانته آلیگیری
۱۰۶	هرمان ملویل	۶۴	ویلیام وردزورث	۱۶	جووانی بوکاجیو
۱۰۸	والث ویتمن	۶۸	جین آستن	۱۸	جفری چاسر
۱۱۲	شارل بودلر	۷۲	ماری شلی	۲۲	فرانسوا رابله
۱۱۶	گوستاو فلوبر	۷۴	لرد بایرون	۲۶	میشل دو مونتنی
۱۲۰	فیودور داستایفسکی	۷۶	آنوره دو بالزاک	۲۸	میگل د سروانتس
۱۲۴	هنریک ایبسن	۷۸	ویکتور هوگو	۳۲	ویلیام شکسپیر
۱۲۶	لئو تولستوی	۸۲	هانس کریستین آندرسن	۳۸	جان دان
۱۳۰	ماشادو د آسیس	۸۴	ادگار آلن پو	۴۰	جان میلتون
۱۳۲	امیلی دیکینسون	۸۶	چارلز دیکنز	۴۲	مولیر
۱۳۴	مارک تواین	۹۲	شارلوت و امیلی برونته	۴۴	آفرا ین
۱۳۶	تامس هاردی	۹۸	دیگر نویسندگان	۴۶	ماتسو باشو
۱۴۰	امیل زولا			۴۸	دنیل دفو
۱۴۲	هنری جیمز			۵۲	جاناناتان سويفت
۱۴۴	آگوست استریندبرگ			۵۴	ولتر
۱۴۶	گی دو موباسان			۵۶	دیگر نویسندگان
۱۴۸	اسکار وایلد				
۱۵۰	جوزف کنراد				
۱۵۴	رودیارڈ کیپلینگ				
۱۵۶	آنتون چخوف				
۱۶۰	رایبندرانات تاگور				
۱۶۲	دیگر نویسندگان				



فصل ۴

نویسندگان اوایل قرن بیستم

فصل ۵

نویسندگان میان‌ه‌ی قرن بیستم

فصل ۶

نویسندگان امروز

۱۶۸	ولادیمیر ناباکوف	۲۴۰	ژوزه ساراماگو	۳۰۴
۱۷۰	جان اشتاین‌بک	۲۴۲	درک والکات	۳۰۶
۱۷۲	جورج اورول	۲۴۴	تونی موریسون	۳۰۸
۱۷۴	پابلو نرودا	۲۴۸	آلیس مونرو	۳۱۰
۱۷۸	گراهام گرین	۲۵۲	نوال سداوی	۳۱۲
۱۸۰	ژان-پل سارتر	۲۵۴	جان آبدایک	۳۱۴
۱۸۲	ساموئل بکت	۲۵۸	کورمک مک‌کارتی	۳۱۶
۱۸۴	نجیب محفوظ	۲۶۲	شیموس هینی	۳۱۸
۱۸۸	آلبر کامو	۲۶۴	جی. ام. کوتسی	۳۲۲
۱۹۲	امه بزر	۲۶۶	ایزابیل آلنده	۳۲۶
۱۹۶	دیلان تامس	۲۶۸	پیتیر کری	۳۲۸
۲۰۰	مارگریت دوراس	۲۷۰	هوانگ سوک-یانگ	۳۳۰
۲۰۲	سال بلو	۲۷۲	و. گ. زیبالت	۳۳۲
۲۰۴	آلکساندر سولژنیستین	۲۷۴	لورنا کوڈیسون	۳۳۶
۲۰۶	پریمو لوی	۲۷۶	هاروکی موراکامی	۳۳۸
۲۰۸	جک کرواک	۲۸۰	اورهان پاموک	۳۴۰
۲۱۰	اینالو کالوینو	۲۸۲	مویان	۳۴۲
۲۱۴	گوتتر گراس	۲۸۴	آرون‌داتی روی	۳۴۴
۲۲۰	گابریل گارسیا مارکز	۲۸۶	دیگر نویسندگان	۳۴۶
۲۲۲	مایا آنجلو	۲۹۰		
۲۲۶	میلان کوندرا	۲۹۲		
۲۳۲	چینوا آچی‌بی	۲۹۴		
۲۳۴	دیگر نویسندگان	۲۹۸		
۱۶۸	ویلیام باتلر ییتس			
۱۷۰	لوییجی پیراندللو			
۱۷۲	ناتسومه سوسه‌کی			
۱۷۴	مارسل پروست			
۱۷۸	ویلا کاتر			
۱۸۰	توماس مان			
۱۸۲	لو شون			
۱۸۴	جیمز جویس			
۱۸۸	ویرجینیا وولف			
۱۹۲	فرانتس کافکا			
۱۹۶	ازرا پاوند			
۲۰۰	دی. ایچ. لارنس			
۲۰۲	ریموند چندلر			
۲۰۴	تی. اس. الیوت			
۲۰۶	جین ریس			
۲۰۸	مارینا تسوتایوا			
۲۱۰	اسکات فیتز‌جرالد			
۲۱۴	ویلیام فاکنر			
۲۲۰	برتولت برشت			
۲۲۲	خورخه لوئیس بورخس			
۲۲۶	ارنست همینگوی			
۲۳۲	یاسوناری کاواбата			
۲۳۴	دیگر نویسندگان			



پیش درآمد

یکبار نویسنده‌ی مشهوری به این خاطر که مجبور است مدتی از جامعه کناره بگیرد، از من عذرخواهی کرد و گفت: «شش ماه است که با یک رمان سروکله می‌زنم.» توضیح بیشتری لازم نبود. او مجبور بود به نبرد خودش برگردد؛ نبردی که نمی‌شد رهايش کرد و باید به هر طریقی تمام می‌شد. مجبور بود دوباره قلم به دست بگیرد و به صفحات سفید خیره شود.

نویسندگان خلاق-رمان‌نویس‌ها و شاعرانی که در این کتاب از آن‌ها یاد شده و خیلی‌های دیگر-همگی آن ندای درونی مصرانه و پیگیر را شنیده‌اند که از آن‌ها می‌خواهد از جامعه کناره بگیرند. آن‌ها همچنین با درجات متفاوتی از اکراه یا لذت، یاد گرفته‌اند مکانی که به آن جا برده می‌شوند دقیقاً همان جایی است که قرار است باشند. اولین کار یک نویسنده نه آوردن نخستین کلمات روی کاغذ، بلکه درک لزوم گوش دادن به این نداهاست.

این موضوع، هم درباره‌ی نویسندگانی صادق است که از مواجهه با دنیای اطرافشان به هیجان می‌آیند - طنزنویسانی مانند جان‌اتان سوئفت^۱ و جدی نویسانی مثل دیکنز^۲ یا کافکا^۳ - و هم درباره‌ی آن‌هایی که می‌خواهند در دوردست، جایگاهی بدیع برای تخیلات خود بسازند. همه‌ی آن‌ها از وظیفه‌ای که برخی شاعران و داستان‌نویسان «نیمه مقدس»^۴ اش دانسته‌اند، آگاه هستند. انگار آن‌ها مترجم حقیقتی والاترند برای کسانی که برای مشاهده و درک آن حقیقت، به وساطت و راهنمایی نیازمندند.

ممکن است بگویید گفتن این حرف برای نویسندگان ساده است، چون به این ترتیب کارشان را در هاله‌ای از رمز و راز فرو می‌برد و ادعا می‌کند رازهایی وجود دارند که هرگز توسط غیرنویسندگان قابل کشف نیست. اما در این حرف حقیقتی نهفته است. نویسندگانی که فکر نمی‌کنند در حال سفر به ناشناخته‌ها هستند، هرگز اثری ماندگار تولید نمی‌کنند، چون کارشان فاقد آن جادویی است که ذهن خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حتی نویسندگانی که رویکردی بی‌رحمانه نسبت

به دشواری‌های روزمره‌ی حرفه‌ی خود دارند، بارها و بارها به سرشت وصف‌ناپذیر نیرویی که آن‌ها را به پیش می‌برد، باز می‌گردند. آن‌جا که جورج اورول^۵ نویسنده‌ها را «عاطل و باطل، خودخواه و تنبل» توصیف کرد در ادامه گفت که این خصیصه از آن دست ضعف‌های اخلاقی نیست که آن‌ها را متوقف کند- کار تولید کتاب برای او مانند تحمل یک بیماری مزمن و دردناک بود- بلکه نیرویی اهریمنی است که نه توان مقاومت در برابرش را دارند و نه می‌توانند درکش کنند.

شاعران در مقایسه با داستان‌نویسان از این نعمت برخوردارند که راحت‌تر با آن‌ها برخورد می‌شود، چون در هر فرهنگی همیشه از آن‌ها انتظار می‌رفته که با الهامات غیبی در ارتباط باشند؛ دنیایی که دیگر افراد به آن راه نداشتند. بسیار پیش از آن که رمانتیک‌های انگلیسی در اوایل قرن نوزدهم، آینه‌ای را که شاعران پیشین ادعا می‌کردند در برابر طبیعت نگه داشته‌اند، کنار بگذارند و چراغی را جایگزین آن کنند که زندگی درونی‌شان را روشن کند، شعر، رسانه‌ای بود که می‌توانست شما را از این دنیا بیرون ببرد، همان‌طور که زمانی روایت‌های سنت شفاهی که تاریخ را با رمز و راز خیال در هم می‌تنید، اشعار و داستان‌ها را به نسل‌های متوالی منتقل می‌کرد. شیموس هیسی^۶، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات در دهه‌ی آخر قرن بیستم، در آخرین اثر منتشرشده‌اش به افسانه‌ی «اِنه‌ئید»^۷ بازگشت. او ترجمه‌ای از کتاب ششم حماسه‌ی ویرژیل^۸ ارائه داد؛ این کتاب شرح چگونگی سرازیر شدن آینیاس^۹ قهرمان تروا، به دنیای زیرین است و این که چطور قهرمان مجبور می‌شود شاخه‌ای از درخت مقدس طلایی را برای محافظت از خود در طول سفرش قطع کند. این داستان اسطوره‌ای، الهام‌بخش شاعران مختلفی بوده است، از دانته آلیگیری^{۱۰} در قرون وسطای ایتالیا تا تی.اس. الیوت^{۱۱} شاعر انگلیسی-آمریکایی که شش قرن بعد و درست بعد از جنگ جهانی اول می‌نوشت. این نویسندگان نیز همانند هینی به سمت قدیمی‌ترین و ماندگارترین داستان‌ها کشیده شدند؛ داستان‌هایی که بارها و

همه‌ی مامی دانیم که دوباره به سراغ آن‌ها خواهیم رفت. بسیاری از ما مشتاقیم که کتاب مورد علاقه‌ی خود را برداریم و جذب شروع فراموش نشدنی آن شویم یا در فصل ابتدایی کتاب با یک دوست قدیمی ملاقات کنیم؛ این نه به این خاطر است که در جست‌وجوی یک تجربه‌ی جدید هستیم، بلکه از آن روست که می‌خواهیم چیزی را که نمی‌توانیم فراموش کنیم دوباره زندگی کنیم یا شروع به خواندن شعری کنیم که در ذهن مان هم می‌توانیم آن را بشنویم. نویسندگان ما هم این را می‌دانند و شاید میل اسرارآمیزی که آن‌ها را به این سمت سوق می‌دهد، حداقل یک بخش آشکار دارد که همه‌ی ما می‌توانیم آن را تشخیص دهیم: میلی شدید و پایدار به شرح دادن. آن‌ها روشنگری می‌کنند، سرگرم می‌سازند؛ عذاب می‌دهند و به بهت وامی‌دارند. آن‌ها ما را به اوج می‌رسانند. این تمام آن چیزی است که ما می‌دانیم. شاید ما نیز رمز و رازی که باقی می‌ماند را ارج می‌نهیم - پرسشی وسوسه‌انگیز و لاینحل درباره‌ی این که نوشتن چطور انجام می‌شود - زیرا می‌دانیم نویسندگان متبحر، افرادی متفاوتند، آن‌ها کاری را انجام می‌دهند که ما نمی‌توانیم. به همین دلیل است که ما به آن‌ها نیاز داریم و غالباً حسادت را نسبت به آن‌ها احساس نمی‌کنیم. چطور چنین چیزی ممکن است؟ ارنست همینگوی^{۱۸} با شیوه‌ی عبوسانه و زمخت خود، یکبار سعی کرد نوشتن را ساده جلوه دهد ولی تلاشش نتیجه‌ی عکس داشت. او گفت: «تنها کاری که باید انجام دهید این است که یک جمله‌ی درست بنویسید. درست‌ترین جمله‌ای را که می‌دانید بنویسید.»

اما از همین جاست که مشکلات شروع می‌شوند.

Ernest Hemingway

جیمز نات^{۱۹}

بارها آن‌ها را تفسیر می‌کنیم تا بدین طریق به خودمان بفهمانیم که کیستیم و چرا این‌گونه رفتار می‌کنیم. هیچ نویسنده‌ی بزرگی نمی‌تواند از این وظیفه فرار کند. در پایان کتاب «گتسبی بزرگ»^{۱۱} اثر اف. اسکات فیتز جerald^{۱۲}، نیک کاراوی^{۱۳} راوی داستان می‌گوید: «و بدین سان در قایق نشسته، پارو بر خلاف جریان آب می‌کوبیم و بی‌امان به طرف گذشته رانده می‌شویم». این نقل قول چیزی بسیار بیشتر از یک ناله‌ی افسوس و پشیمانی در دنیای پر زرق و برق ولی بی‌معنای ثروت است که ابتدا کاراوی را جذب و سپس او را منزجر می‌کند. این گفته گویای توانایی ژرف فیتز جerald در سفری است که مقدر بود هرگز به پایان نرسد؛ و صراحتاً با کلیت زندگی آمریکایی ارتباط دارد، به همان اندازه‌ای که مبارزه‌ی بنیادین انسان با نیروهای رام‌نشدنی طبیعت در «موبی دیک»^{۱۴} اثر هرمان ملویل^{۱۵} گویای آن است. نسل‌ها بعد نیز رمان‌نویسی مانند جان آیدایک^{۱۶} در همان فرهنگ با پرسش مشابهی دست و پنجه نرم می‌کند: چه چیزی ما را به پیش می‌برد؟

موضوع هر چه که باشد، خواه درگیری‌های فردی با موضوع قدرت و مسئولیت شخصی که در طول قرن‌ها محرک نویسندگان اروپایی بود - که محصول آن قدرتمندترین نمونه‌ی صدای شاعرانه در زبان انگلیسی یعنی آثار شکسپیر^{۱۷} بود - و خواه ادبیات شرق با گستره‌ی وسیع بینش اسطوره‌ای و تاریخی آن، در هر صورت، نویسنده یا شاعری که با این پرسش مواجه نمی‌شود محکوم به فعالیتی بی‌هدف در سطح و همچنین ناپدید شدن و به فراموشی سپرده شدن است؛ در حالی که هیچ کدام از نویسندگانی که در این کتاب آمده‌اند، فراموش نخواهند شد - آن‌ها گنجینه‌ای عظیم هستند، چه به‌عنوان داستان‌سرایی بزرگ و چه در زمره‌ی مردان و زنان جوان (و پیر) دردمند و خشمگین - چرا که هر کدام از این نویسندگان با درخششی از نبوغ یا یک عمر زحمت، به طریقی برای خوانندگان خود یک شخصیت یا یک تراژدی، لحظه‌ای خوب یا پرسشی ماندگار را باقی گذاشته‌اند که هرگز از میان نخواهد رفت.

1. Jonathan Swift
2. Dickens
3. Kafka
4. George Orwell
5. Seamus Heaney
6. Aeneid
7. Virgil
8. Aeneas
9. Dante Alighieri
10. T.S. Eliot
11. The Great Gatsby
12. F. Scott Fitzgerald
13. Nick Carraway
14. Moby-Dick
15. Herman Melville
16. John Updike
17. Shakespeare
18. Ernest Hemingway
19. James Naughtie